

«بسم الله الرحمن الرحيم»

نویسنده اول: دکتر سید محسن موسوی فر

استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

dr.moosavifar@razavi.ac.ir

نویسنده دوم و مسئول: محمدحسین گلیاری

Mhg22034324sage@gmail.com

[MuhammadHussein.Golyari@razavi.ac.ir](mailto:MohammadHussein.Golyari@razavi.ac.ir)

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانش‌آموخته سطح سه فقه و اصول فقه، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران.

نویسنده سوم: حسین صابری

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرسه عالی علوم انسانی، حکمت و تاریخ، جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان، مشهد، ایران.

yadeoo@gmail.com

بررسی اخلال در نظام اقتصادی از طریق دستکاری بازار اوراق بهادار

چکیده

این پژوهش به بررسی اخلال در نظام اقتصادی از طریق بازار اوراق بهادار می‌پردازد. با وجود آن‌که قانون مبارزه با اخلالگران اقتصادی در دوران جنگ تحمیلی و در پاسخ به شرایط خاص آن زمان به تصویب رسید، در شرایط کنونی نیز، به‌ویژه با توجه به فشارهای ناشی از جنگ اقتصادی، همچنان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. با این حال، تحلیل دقیق مفاهیم به‌کاررفته در این قانون و شناسایی روش‌های حقوقی برای تعیین مصادیق جرائم اقتصادی در حوزه بورس، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این مهم می‌باشد که دستکاری بازار اوراق بهادار در چه شرایطی می‌تواند مصدق اخلال در نظام اقتصادی کشور بوده و معیارهای احراز آن چیست؟ به نظر می‌رسد دستکاری بازار اوراق بهادار را در صورتی که موجب اخلال گسترده در فرایند بازار سرمایه و ایجاد آثار کلان اقتصادی شود، بتوان مصداقی از اخلال در نظام اقتصادی کشور دانست و معیارهای احراز آن را تلیقی از شاخص‌های قانونی مقرر در قانون مزایا اخلال گران در نظام اقتصادی کشور و مقررات سرمایه پنداشت.

بسیاری از مفاهیم مندرج در قانون تشدید مجازات، به‌صورت کلی، مبهم و فاقد دقت لازم در انطباق با اصول حقوق جزا تنظیم شده‌اند. این ابهامات موجب می‌شود که تفسیر قانون در عمل به شکل سلیقه‌ای انجام شود، که هم سبب تضعیف حقوق متهم و هم مانع از تبیین علمی و دقیق جرم می‌شود.

با وجود نقش حیاتی بازار سرمایه در ساختار اقتصادی کشور، نمی‌توان به صراحت اخلال در بازار بورس را ذیل عنوان جرائم مقرر در قانون تشدید مجازات اخلالگران اقتصادی قرار داد.

کلیدواژگان: دستکاری بازار، اوراق بهادار، بازار سرمایه، شفافیت، جرائم اقتصادی، بورس

مقدمه

نظام اقتصادی هر کشور به عنوان یکی از ارکان اساسی و بنیادین، نقش مهمی در ایجاد نظم و ثبات در سایر حوزه‌ها ایفا می‌کند. هر گونه اختلال در این نظام نه تنها به بخش اقتصادی آسیب می‌زند، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی نیز برجای می‌گذارد. اختلال در نظام اقتصادی و بروز مشکلات معیشتی برای مردم می‌تواند زمینه‌ساز بروز ناآرامی‌ها و تنش‌های اجتماعی شود، در حالی که ثبات اقتصادی، زیرساخت لازم برای پیشرفت و توسعه در سایر زمینه‌ها را فراهم می‌آورد. از این رو، دولت جمهوری اسلامی ایران به جرایم محل نظم و سلامت نظام اقتصادی حساسیت ویژه‌ای نشان داده و برای مقابله با این جرایم سیاست‌ها و مقررات خاصی را اتخاذ کرده است.

اختلال در نظام اقتصادی، هم به عنوان یکی از مصادیق جرایم اقتصادی در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شناخته می‌شود و هم در زمره مفاسد کلان اقتصادی موضوع قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ قرار دارد. با این حال، در برخی موارد جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر واکنشی به بحران‌های اجتماعی و انتظارات عمومی است که ناشی از تأثیر احساسات و فشارهای اجتماعی بر قانون‌گذار بوده و اغلب بدون توجه کافی به یافته‌های علمی جرم‌شناسی تدوین می‌شود. در واقع، در بسیاری از کشورها، جرم‌انگاری در عرصه اقتصادی بیشتر به عنوان پاسخی سیاسی و رسانه‌ای به نگرانی‌های جامعه درباره رفتارهای نابهنجار اقتصادی مطرح می‌شود و تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های جمعی، به موضوعی پررنگ در افکار عمومی تبدیل می‌گردد.^۱ در صورتی که این رفتارها آثار گسترده‌ای بر اقتصاد کلان کشور برجای گذارند این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان آنها را مصداق از اختلال در نظام اقتصادی در نظام حقوقی ایران دانست یا خیر؟ به نظر می‌رسد که دستکاری بازار اوراق بهادار در صورتی که موجب اختلال گسترده در فرایند عادی بازار سرمایه و ایجاد آثار کلان اقتصادی شود، از منظر حقوق کیفری ایران می‌تواند به عنوان مصداق اختلال در نظام اقتصادی کشور تلقی گردد. در این مقاله ابتدا به خصایص بنیادین جرایم مالی و اقتصادی پرداخته می‌شود، سپس مفهوم اختلال در نظام اقتصادی و ماهیت سرمایه تبیین می‌گردد. در ادامه، انواع دستکاری در بازار اوراق بهادار و چهارچوب حقوقی مقابله با آن بررسی شده و اجزای تحریف در بازار بورس اوراق بهادار تحلیل می‌شود. در بخش پایانی نیز به اصل عدم بخشودگی این جرم و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۱- خصائص بنیادین جرایم مالی و اقتصادی

بر خلاف جرایم خشونت‌آمیز که اغلب دارای نمودهای رفتاری مستقیم و ملموس هستند، جرایم اقتصادی از ویژگی‌های خاص و پیچیده‌ای برخوردارند که آن‌ها را از سایر انواع جرایم متمایز می‌سازد. این دسته از جرایم، هم در بُعد ذهنی و هم در بُعد عینی، دارای مختصات ویژه‌ای هستند؛ به طوری که برخی ویژگی‌های آن، ناظر بر نیت، انگیزه و قصد مرتکب (جنبه ذهنی) بوده و برخی دیگر، صرفاً به رفتار ارتكابی و آثار بیرونی آن محدود می‌شود (جنبه عینی). از این رو، شناخت دقیق ویژگی‌های جرایم اقتصادی مستلزم دسته‌بندی و تحلیل آنها در قالب شاخص‌های مشخص است. این تقسیم‌بندی می‌تواند به درک بهتر ماهیت، روش ارتكاب، انگیزه‌ها، آثار اجتماعی و نحوه کشف و تعقیب این جرایم کمک

^۱ Ashworth & Horder, *Principles of Criminal Law*, 23

کند. پیچیدگی‌های فنی، پنهان کاری، تأثیرگذاری گسترده بر نظام اقتصادی و ارتباط آن‌ها با ساختارهای قدرت و نفوذ، از جمله ویژگی‌هایی هستند که موجب شده مقابله با این نوع جرایم نیازمند سیاست‌گذاری کیفی متفاوت و تخصصی باشد.

۱-۱- قابلیت رؤیت محدود

سطح قابل مشاهده بودن جرایم اقتصادی نسبت به سایر جرایم، به ویژه جرایم خشونت‌آمیز، به مراتب کمتر است و این امر باعث می‌شود که گزارش‌دهی و کشف این نوع جرایم در جامعه بسیار محدود باشد. به تبع این کاهش رؤیت‌پذیری، افکار عمومی نیز حساسیت کمتری نسبت به جرایم اقتصادی نشان می‌دهد و بسیاری از قربانیان حتی از وقوع جرم علیه خود بی‌اطلاع می‌مانند. این عدم آگاهی نه تنها به تداوم و گسترش فعالیت مجرمان اقتصادی کمک می‌کند، بلکه مانع از اعمال فشار اجتماعی لازم برای مقابله با این جرایم می‌شود.

با توجه به این ویژگی‌های خاص، سیاست جنایی در زمینه جرایم اقتصادی نیازمند رویکردی افتراقی و تخصصی است که بر سه محور اصلی استوار باشد: نخست، گونه‌شناسی دقیق و طبقه‌بندی انواع جرایم اقتصادی؛ دوم، تحلیل و شناخت بزه‌کاران فعال در این حوزه و ویژگی‌های رفتاری و انگیزشی آن‌ها؛ و سوم، شناسایی دقیق بزه‌دیدگان و تأثیرات مختلف این جرایم بر آن‌ها. اتخاذ چنین سیاستی به قانون‌گذار کمک می‌کند تا با درک بهتر از ساختار و ابعاد این جرایم، مقررات و ابزارهای مقابله‌ای مؤثرتری را تدوین کند.

از این رو، یکی از دلایل مهم خارج کردن جرایم اقتصادی از شمول مرور زمان یا افزایش مدت آن، دشواری تشخیص و کشف این جرایم است. مرور زمان کوتاه می‌تواند باعث از بین رفتن فرصت‌های قانونی برای پیگیری و مجازات مرتکبان این جرایم شود و به دلیل ماهیت پنهان و پیچیده آن‌ها، ضرورت دارد که قانون‌گذار به صورت ویژه به این مسئله توجه کند. بدین ترتیب، تمدید مدت مرور زمان یا حذف آن برای جرایم اقتصادی، پاسخی منطقی و ضروری به ویژگی‌های کم‌دید بودن این جرایم است که می‌تواند به بهبود کارایی نظام کیفری در برخورد با این نوع جرایم کمک شایانی نماید. (مهدوی پور، ۱۳۹۲، ۵۱۷)

۱-۲- زیان کلان

در جرم‌شناسی، اصطلاح «بزهکاری واقعی»، به مجموع جرایمی اطلاق می‌شود که عملاً رخ داده‌اند؛ اما میزان و ماهیت دقیق آن‌ها همچنان ناشناخته باقی مانده است. برای شناسایی بزهکاری واقعی، دو روش اصلی وجود دارد: تحقیقات خودگزارشی بزهکاری و تحقیقات خودگزارشی بزه‌دیدگی (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). با این حال، تعیین دقیق میزان جرایم اقتصادی به دلیل ماهیت خاص این نوع جرایم، بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر است.

یکی از ویژگی‌های برجسته جرایم اقتصادی این است که پیامدهای آن‌ها برخلاف جرایم خشونت‌آمیز، فوراً آشکار نمی‌شود و در بسیاری موارد بزه‌کار و بزه‌دیده دارای روابط کاری یا تجاری هستند. این عوامل باعث می‌شود که جرم به صورت هوشمندانه و با استفاده از ابزارهای پیچیده‌ای مانند حذف شواهد، دستکاری در صورت‌های مالی و بهره‌گیری از مهارت‌های تخصصی و فناوری‌های پیشرفته پنهان بماند. به همین دلیل، آمار واقعی جرایم اقتصادی به سختی قابل دسترسی است و رقم سیاه یا درصد جرایمی که به دلایل روش‌شناسی و محدودیت‌های ابزارهای اندازه‌گیری قابل شناسایی نیستند، بسیار بالا گزارش می‌شود.

اگرچه برخی جرایم اقتصادی در واحدهای نظارتی داخلی شرکت‌ها شناسایی می‌شوند، اما این نهادها به دلایل مختلف از ارجاع پرونده‌ها به مراجع قضایی خودداری می‌کنند. علاوه بر این، عدم تمایل قربانیان به گزارش‌دهی این جرایم، از دیگر موانع مهم در مسیر شناخت و پیگیری این جرایم است. این بی‌میلی معمولاً دو علت اساسی دارد: نخست، نگرش اجتماعی که مرتکب شدن به چنین جرایمی، به ویژه کلاهبرداری، را نشانه ساده‌لوحی قربانی تلقی می‌کند و ممکن است موجب تمسخر او شود؛ دوم، شرکت‌های بزرگ تجاری که اعتبار و بقای آن‌ها مبتنی بر اعتماد عمومی است، ترجیح می‌دهند از رسانه‌ای شدن

جرایم جلوگیری کنند تا به اعتبارشان خدشه وارد نشود. به همین دلیل، این شرکت‌ها غالباً از پیگیری قانونی موضوع صرف‌نظر می‌کنند. همچنین، دولت و قوه مقننه گاه این جرایم را به عنوان بخشی از ریسک‌های طبیعی حوزه تجارت و اقتصاد تلقی می‌کنند که ممکن است قابل اجتناب نباشد.

در نهایت، کاهش رقم سیاه جرایم اقتصادی مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند برای پیشگیری، به ویژه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه متمرکز بر عوامل جرم‌زا است. این در حالی است که تدابیر کیفری به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی این مسئله باشند و فقط به عنوان مکملی در کنار اقدامات پیشگیرانه می‌توانند به کاهش میزان جرم و کشف بهتر آن کمک کنند.

۱-۳- دینامیک و پویایی

جرایم اقتصادی به‌طور قابل توجهی پویا و متغیر هستند و توانایی بالایی در تطبیق سریع خود با شرایط جدید بازار و تحولات مختلف دارند. این پویایی و انعطاف‌پذیری عمدتاً ناشی از بهره‌گیری گسترده از فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات است که به مجرمان امکان می‌دهد فعالیت‌های خود را فراتر از مرزهای ملی توسعه داده و به شکلی سازمان‌یافته‌تر و حرفه‌ای‌تر انجام دهند. مرتکبان این جرایم از فناوری‌های نوین برای جعل اسناد و مدارک، از جمله کارت‌های شناسایی و کارت‌های بازرگانی استفاده می‌کنند، به‌گونه‌ای که این جعلیات تقریباً از نظر ظاهری هیچ تفاوتی با نمونه‌های اصلی ندارند؛ مشابه جعل اسکناس که در آن نیز تردید و ابهامی وجود ندارد.

در حالی که این افراد با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، فعالیت‌های مجرمانه خود را سرعت و دقت می‌بخشند، نهادهای دولتی و مراجع مرتبط مانند دفاتر اسناد رسمی در استفاده از همین فناوری‌ها معمولاً با کندی و تأخیر مواجه‌اند. این فاصله زمانی و تحرک سریع مجرمان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای این جرایم برای سازگاری با تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و حتی فناوری است.

علاوه بر این، فعالیت‌های مجرمان اقتصادی محدود به مرزهای داخلی نیست و مرتکبان به‌طور فعال در سطح بین‌المللی حضور دارند و از فرصت‌های ایجاد شده توسط جهانی‌شدن برای گسترش دامنه جرایم خود بهره می‌برند. این امر پیچیدگی‌های بیشتری را در روند کشف، تعقیب و مقابله با جرایم اقتصادی به وجود می‌آورد و نیازمند همکاری‌های فرامرزی و استفاده از فناوری‌های نوین توسط سازمان‌های مسئول است. (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ۴)

۲- اختلال در نظام اقتصادی

جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر بحران‌های اجتماعی شکل گرفته و اغلب پاسخی به خواسته‌های عمومی برای مقابله با این بحران‌ها محسوب می‌شود. در زمینه اختلال در نظام اقتصادی، مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه، از کارکنان دولت گرفته تا بخش‌های خصوصی و سایر اقشار باشد. دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند با سیاست‌گذاری‌های مؤثر و اجرای برنامه‌های متنوع، عملکرد خود را در حوزه اقتصادی کارآمد نشان دهند؛ اما یکی از چالش‌های اصلی، شیوع و گستردگی مفاسد اقتصادی است. جرایم اقتصادی مانند اختلال در نظام اقتصادی معمولاً با روش‌ها و شگردهای پیچیده‌ای انجام می‌شوند که کشف آن‌ها بسیار دشوار است. این دشواری نه تنها به دلیل پیچیدگی تکنیک‌های مجرمانه است، بلکه ناشی از کم‌اطلاعی مسئولان مبارزه با جرایم اقتصادی، فقدان ابزارهای مؤثر کشف، کمبود تخصص و مهارت در میان کارآگاهان و همچنین ضعف‌های قانونی، ساختاری و نظارتی می‌باشد.

بازار اوراق بهادار یکی از ابزارهای نوین مالی است که به وسیله آن امکان خرید و فروش شرکت‌ها از طریق انتشار سهام و سایر ابزارهای مالی فراهم می‌شود. نظام اقتصادی کشور به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی در وضعیت حساسی قرار دارد، بنابراین مدیریت صحیح و دقیق این بازار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در غیر این صورت، زمینه برای بروز زد و بندهای اقتصادی و بهره‌برداری‌های مالی غیرقانونی برای برخی بازیگران فراهم خواهد شد. در چنین شرایطی، ضرورت مقابله با عوامل و بازیگران اصلی این رفتارهای نادرست دوچندان می‌شود. تدوین قواعد و مقررات لازم و شناخت دقیق مصادیق جرایم از طریق مطالعات علمی می‌تواند گامی مؤثر در حل این مشکل باشد.

بر این اساس، با توجه به اهمیت مقابله با مفاسد اقتصادی در سطح کلان، ضروری است با استناد به مفاد قانون رسیدگی به جرایم اقتصادی، نسبت میان این قانون و اقدامات مجرمانه در این حوزه مورد بررسی قرار گیرد و مدلی فرضی برای تحقق جرایم مرتبط ارائه شود. بررسی مقالات و تحقیقات انجام شده در زمینه مبارزه با جرایم اقتصادی، به ویژه جرایم عمده، نشان می‌دهد که پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تحلیل حقوقی بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار» به تحلیل نوع رفتار در این حوزه پرداخته، اما ارتباطی با قانون تشدید مجازات اخلاک‌گران ندارد. همچنین، مقالاتی درباره اخلال در بازار پولی و مالی وجود دارد که اساساً به موضوع بازار اوراق بهادار نپرداخته‌اند، مانند مقاله «اخلاک‌گری در بازار پولی و مالی و مجازات اخلاک‌گران» که به جرایم مرتبط با تعاونی‌های اعتبار اختصاص یافته است. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع و کمبود بررسی‌های علمی جامع، مطالعه اخلال در نظام اقتصادی از طریق بازار اوراق بهادار می‌تواند موضوعی حیاتی و قابل توجه باشد (اطمینان، ۱۳۹۳).

۳- مفهوم و ماهیت تحریف در بازار سهام

تعریف دقیق و جامع مفهوم «دستکاری در بازار» از جمله موضوعاتی است که برخلاف توضیح روش‌ها، اهداف و طرف‌های درگیر آن، با دشواری‌های قابل توجهی مواجه است. معمولاً دستکاری در بازار بر اساس روش‌های به کار رفته و اهدافی که دنبال می‌شود تعریف می‌شود. بر این اساس، دستکاری در بازار عبارت است از انجام عملی آگاهانه با هدف تأثیرگذاری بر رفتار دیگران، به ویژه ترغیب به خرید یا فروش سهام، از طریق تغییر مصنوعی قیمت‌ها یا کنترل قیمت اوراق بهادار به واسطه انجام معاملات ساختگی و غیرواقعی.

به طور کلی، می‌توان دستکاری در بازار را اینگونه توصیف کرد: «فعالیت‌هایی که به هر شکل ممکن، عملکرد آزاد و طبیعی عرضه و تقاضا در بازار را مختل می‌کنند و فعالان بازار با ایجاد قیمت‌های ساختگی و نمایش جعلی فعالیت‌های معاملاتی، دیگر بازیگران بازار را به اشتباه می‌اندازند.» این نوع رفتارها باعث ایجاد تصویری غیرواقعی از وضعیت بازار شده و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را مخدوش می‌سازد.

دستکاری بازار معمولاً در مراحل اولیه شکل‌گیری و رشد بازارهای مالی رخ می‌دهد، به ویژه زمانی که بازار با کمبودهای ساختاری مواجه است. این پدیده در بازارهایی که حجم عرضه و تقاضا محدود است یا اطلاعات شفاف و کافی در اختیار فعالان قرار نمی‌گیرد، بیشتر دیده می‌شود. همچنین، ضعف قوانین، نبود نظارت کافی و اجرای ناقص مقررات، شرایط را برای بروز دستکاری فراهم می‌کند. با توسعه بازار بورس و افزایش استفاده از ابزارهای مالی پیچیده مانند اوراق مشتقه، امکان و تمایل به دستکاری نیز افزایش یافته است. به عنوان نمونه، قیمت برخی اوراق بهادار ممکن است هدف دستکاری قرار گیرد تا بر قراردادهای مرتبط اثرگذار باشد و بدین ترتیب طرف‌های قرارداد یا سهامداران متضرر شوند.

نقش فناوری و اینترنت در این زمینه نیز بسیار پررنگ است، زیرا انتشار سریع اطلاعات با هزینه کم و دسترسی گسترده، امکان گسترش اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده را فراهم کرده است. این امر زمینه را برای تغییر مصنوعی قیمت‌ها و ایجاد تصویری نادرست از فعالیت‌های معاملاتی فراهم می‌کند.

روش‌ها و عناصر دستکاری در بازار بسیار متنوع‌اند و به همین نسبت، قوانین و مقررات بازدارنده و شیوه‌های مجازات متخلفان نیز در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. برخی نظام‌های قضایی دستکاری در بازار را به عنوان جرم کیفری می‌شناسند، برخی آن را جرم مدنی-اداری تلقی می‌کنند و در برخی موارد نیز هر دو نوع جرم مطرح می‌شود. از این رو، آشنایی با انواع دستکاری در بازار و اهداف مرتکبان آن، گامی مهم در مقابله مؤثر با این پدیده است.

۴- انواع دستکاری در بازار اوراق بهادار و چارچوب حقوقی مقابله با آن

دستکاری در بازار اوراق بهادار به عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم اقتصادی، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: دستکاری مبتنی بر اطلاعات و دستکاری مبتنی بر معاملات. در دستکاری مبتنی بر اطلاعات، مجرمان با انتشار اخبار، اطلاعات یا شایعات نادرست، سعی در فریب فعالان بازار دارند تا قیمت سهام را به شکل مصنوعی تغییر دهند. برای مثال، انتشار اخبار مثبت کاذب پس از خرید سهام می‌تواند موجب افزایش تقاضا و قیمت آن شود و متخلف سپس سهام خود را با سود بفروشد. این نوع

دستکاری خود به دو شکل انجام می‌شود: یکی انتشار اطلاعاتی پس از معامله که هدف آن تثبیت یا افزایش قیمت است و دیگری انتشار اطلاعات نادرست پیش از انجام معامله که معامله بر اساس اطلاعات صحیح متخلف انجام می‌گیرد.

دسته دوم، دستکاری مبتنی بر معاملات است که شامل انجام معاملات ساختگی و هدفمند برای خلق قیمت‌های غیرواقعی و افزایش مصنوعی حجم معاملات می‌باشد. این روش اغلب به کمک شرکت‌های صوری یا شبکه‌های هماهنگ انجام می‌شود و کشف آن نیازمند ابزارهای پیشرفته نظارتی و تخصصی است. از جمله نمونه‌های این دستکاری‌ها می‌توان به تأثیرگذاری بر قیمت اوراق مشتقه، قراردادهای اختیار معامله، پذیره‌نویسی سهام و نرخ تبدیل سهام اشاره کرد که با هدف کسب منافع ناعادلانه انجام می‌شوند.

در حوزه مقررات، کشور ما قوانین متعددی برای مقابله با جرایم اقتصادی دارد؛ از جمله قانون مجازات اخلاصگران نظام اقتصادی، قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، قانون مبارزه با قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و قوانین مرتبط دیگر. با این حال، در بررسی‌های انجام شده مشخص می‌شود که برخی جرایم نوظهور اقتصادی مانند سوءاستفاده از رانت‌های اطلاعاتی و پول‌شویی هنوز به طور کامل در چارچوب قوانین کیفری فعلی قابل تعقیب نیستند. این خلاهای قانونی، مقابله قاطع و جامع با فساد و دستکاری در بازارهای مالی را با چالش مواجه کرده و محدودیت‌هایی برای دستگاه قضایی ایجاد نموده است.

از این رو، ضرورت دارد علاوه بر تقویت نظارت‌ها و استفاده از فناوری‌های نوین در کشف تخلفات، به روزرسانی قوانین و اصلاحات ساختاری در نظام حقوقی کشور نیز به صورت جدی پیگیری شود تا توان مقابله با جرایم پیچیده اقتصادی و به ویژه دستکاری در بازار اوراق بهادار افزایش یابد. همچنین، آموزش و ارتقای سطح آگاهی فعالان بازار و دستگاه‌های نظارتی نقش مؤثری در پیشگیری از این جرایم ایفا خواهد کرد.

بر همین اساس، ضرورت این مهم که قوه مقننه باید هرچه سریع‌تر و مطابق با نیازهای روز، قانون جزایی جامع‌تری را برای مقابله با جرایم اقتصادی و پرکردن خلأهای قانونی تصویب نماید (نورزاد، ۱۳۸۷، ۲۴) نمایان گردید. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، توجه چندانی به جرایم اقتصادی نداشت و قضات در مواجهه با پرونده‌های اقتصادی، عمدتاً مجبور بودند با اتکا به قواعد عمومی کیفری به بررسی آنها بپردازند؛ امری که متناسب با پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی نبود. اما با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، نگاه جدی‌تری به این نوع جرایم صورت گرفت. در این قانون، به‌ویژه در تبصره ماده ۳۶، به صورت تمثیلی به مصادیق جرایم اقتصادی اشاره شده است؛ اگرچه در این تبصره، اصطلاح «جرم اقتصادی» به صورت مستقیم به کار نرفته است. از سوی دیگر، بند «ب» ماده ۱۰۹ این قانون به طور صریح از «جرایم اقتصادی» سخن گفته و آنها را شامل کلاهبرداری و جرایم مطرح شده در تبصره ماده ۳۶ معرفی کرده است.

با تجمیع این دو ماده قانونی، می‌توان دریافت که قانونگذار جدید تلاش کرده است تا به صورت شفاف‌تر و جامع‌تر به مسائل مربوط به جرایم اقتصادی بپردازد. مصادیق بارز این جرایم شامل کلاهبرداری، رشوه و ارتشاء، اختلاس، سوء استفاده از نفوذ برای تحصیل مال، مداخلات غیرقانونی در معاملات دولتی، تبانی در قراردادهای خارجی، تخلفات گمرکی، قاچاق کالا، فرار مالیاتی، پول‌شویی، اخلاص در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی اموال عمومی و دولتی هستند.

یکی از اقدامات مهم این قانون، تعیین سازوکارهای بازدارنده و تنبیهی است که در صورت وقوع جرایم اقتصادی با مبلغ یک میلیارد ریال و بالاتر، نام محکومان در رسانه ملی و یکی از روزنامه‌های پرتیراژ منتشر می‌شود. همچنین، برای کلاهبرداری‌هایی که باعث اخلاص در نظم و امنیت نمی‌شوند ولی مبلغ آنها بیش از یک میلیارد ریال است، یکبار انتشار نام محکومان در روزنامه‌های محلی الزامی شده است. این تمهیدات نشان‌دهنده حساسیت قانونگذار نسبت به آثار اجتماعی و اقتصادی این جرایم و ضرورت مقابله علنی با آنها است.

در نهایت، می‌توان گفت قانون جدید مجازات اسلامی گامی مهم در جهت رفع نواقص و خلأهای قوانین پیشین برداشته و زمینه‌ای مناسب برای مقابله مؤثرتر با جرایم اقتصادی فراهم کرده است. این تغییرات می‌تواند نقش مهمی در تقویت دستگاه قضایی و افزایش بازدارندگی جرایم اقتصادی در جامعه ایفا کند.

۵- اجزای تحریف در بازار بورس اوراق بهادار

طبق بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، جرم دستکاری بازار می‌تواند توسط هر فردی انجام شود و محدود به فعالان حرفه‌ای بازار سرمایه مانند کارگزاران یا مشاوران سرمایه‌گذاری نیست. به عبارت دیگر، هر شخصی فارغ از میزان فعالیت یا تجربه‌اش در بازار سرمایه، در صورت ارتکاب اعمال دستکاری، تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر، محل وقوع جرم در تحقق آن تأثیری ندارد؛ این جرم می‌تواند هم در بورس اوراق بهادار رسمی و هم در سایر بازارهای خارج از بورس رخ دهد. قانونگذار ایران، وقوع دستکاری را به بورس‌های رسمی محدود نکرده و تمامی بازارهای مرتبط با اوراق بهادار را شامل می‌شود. ملاحظه می‌گردد که قانونگذار اصطلاح دستکاری و مصادیق آن را در قانون به کار نبرده است؛ بلکه در متن بند فوق مفهوم این جرم و در ماده ۷ دستورالعمل انضباطی کارگزاران مصوب ۱۳۸۹ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار برخی از مصادیق آن آمده است که منطبق با بزه دستکاری مرسوم در کشورهای دیگر است. با توجه به عدم تبیین واژه اقدامات در متن ماده قانون بازار اوراق بهادار مفهوم از گستره وسیعی برخوردار بوده و هر اقدامی که در عمل منجر به نتایج موردنظر شود را دربر می‌گیرد. در خصوص این مقرر ذکر نکاتی چند مفید به نظر می‌رسد نکته اول با توجه به استعمال عبارت هر شخصی در متن ماده بدیهی است که این جرم مختص اشخاص حرفه‌ای چون کارگزاران بازار سرمایه و مشاوران سرمایه‌گذاری نیست و هر شخصی در هر موقعیتی ممکن است این بزه را مرتکب شود همچنین از ظاهر ماده میتوان برداشت کرد که عمل مزبور صرفاً با فعل مثبت محقق می‌شود و نمیتوان با ترک فعل مرتکب اقداماتی چون اشاعه اطلاعات گمراه کننده دستکاری مبتنی بر اطلاعات یا معامله اوراق بهادار به منظور تغییر دادن قیمت دستکاری (مبتنی بر معاملات که اشکال مختلف دستکاری بازار هستند، شد.

نکته دوم نکته دیگر قابل ذکر در ماده مزبور قید «نوعاً» می باشد برای تحقق مسئولیت اعم از کیفری یا مدنی، بنا به نص صریح این ماده اقدامات شخص باید نوعاً و عرفاً منجر به نتایج موردنظر و ایجاد قیمتهای کاذب برای اوراق بهادار شود در غیر این صورت حتی اگر نتیجه فوق حاصل شود چون اقدامات مرتکب نوعاً و عرفاً منجر به چنین نتایجی نمیشود لذا مسئولیت وی منتفی میباشد مثالی که مؤلفین (مبین، ۱۳۹۵، ۱۱۵) بیان داشته اند؛ ایجاد یک شایعه معمولی توسط سهامدار جزء (نه سهامدار عمده) است که نمی توان آن را اقداماتی دانست که عرفاً منجر به استکاری میشوند حتی اگر این عمل اتفاقاً به دستکاری بازار منجر شود.

نکته سوم از ویژگیهای بزه دستکاری بازار مقید به نتیجه و مرکب بودن آن است توضیح آنکه برخلاف آنچه که محققین دیگر آورده اند دستکاری از جمله جرائم مطلق نبوده بلکه مقید به نتیجه محسوب میشود و صرف اقدامات متخلف منطبق با بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار کافی نیست؛ بلکه اقدامات یادشده باید منجر به ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات یا ایجاد قیمتهای کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات شود و بازار را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بین علامات متخلف و نتایج مزبور باید رابطه سببیت وجود داشته باشد همچنین به نظر می‌رسد عنصر مادی این جرم مرکب میباشد نه ساده یعنی از اجزای مختلف به قصد حصول نتیجه واحد تشکیل شده و نتیجه مجرمانه به عنوان معلول یعنی تحریک اشخاص و انجام معاملات ایجاد قیمتهای کاذب و یا ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات شرط تحقق جرم است.

جرم مرکب در برابر جرم ساده است در تشریح آنها باید گفت برخی از جرایم با یک عمل، ترک عمل ساده انجام میشوند به عبارت دیگر دارای یک عنصر مادی مشخص هستند به عنوان مثال میتوان از یک سرقت و تخریب ساده یا ترک اتفاق نام برد در مقابل برخی از جرایم نیاز به اجرای اعمال مادی گوناگون و گاه پیچیده ای دارند تا تحقق پیدا کنند و گاه حتی امکان وقوع چند جرم برای تحقق یک عمل مجرمانه قابل تصور است. کلاهبرداری را غالباً نمونه بارزی از جرائم پیچیده یا مرکب میدانند زیرا در این جرم معمولاً استفاده از وسایل تقلبی و همچنین بردن مال دیگری دو عمل مادی مشخص هستند که با جمع آنها عنصر مادی جرم تحقق پیدا میکند (نوریها، ۱۳۸۵، ۲۳۳).

برخی از مصادیق مذکور در ماده ۷ دستور العمل تضباطی کارگزاران عبارت است از سفارش چینی گسترده و غیر متناسب با عرضه و تقاضای بازار یا سفارش چینی بدون سفارش یا بر اساس سفارشهای غیر مستند که منجر به ایجاد جریان غیر واقعی عرضه و تقاضا شود ورود سفارش خرید یا فروش با هدف القای رونق و حذف سفارش وارده پس از ورود سفارشهای دیگر کارگزاران و اقدام به انجام معامله در سمت، دیگر توسط یک یا چند کارگزار به صورت هماهنگ ورود سفارش خرید یا فروش بالاتر یا پایینتر از مظنه های خرید یا فروش جاری بازار به منظور ایجاد روندی صعودی یا نزولی در قیمت اوراق بهادار جهت بهره گیری از قیمت ایجاد شده به نفع خود یا سایرین اخلاص در فرآیند قیمت گذاری ورقه بهادار یا کالا با انجام معامله در حجم کم با قیمت های نامتعارف و یا انجام معاملات هماهنگ شده و یا معامله ای متفاوت با جریان، بازار انجام معاملاتی بدون تغییر مالکیت نهایی با اهدافی مقند ایجاد قیمت های ساختگی یا القا رونق یا رکود در بازار انجام رقابت کاذب و هماهنگ شده بین شعب مختلف یک یا چند کارگزار که منجر به افزایش یا کاهش قیمت ورقه بهادار یا کالا شود انجام معاملات صوری صرفاً با هدف شناسایی سود یا زیان جهت ایجاد تحراف در شاخص های حسابداری مشتری خاص مانند بهای تمام شده و یا درآمد حاصل از فروش سرمایه گذاریها که به عاملیت کارگزاری و اطلاع وی انجام شود.

۵-۱- رکن مادی جرم دستکاری بازار

رکن مادی جرم دستکاری بازار به عنوان جرمی فعلی تعریف شده است؛ یعنی برای تحقق این جرم لازم است عملی انجام شود که موجب ایجاد ظاهری فریبنده در بازار، خلق قیمت های غیر واقعی یا فریب دیگر فعالان بازار به انجام معاملات شود. در این راستا، صرف ترک فعل یا کوتاهی کفایت نمی کند و فعل مثبت و مشخصی باید صورت گیرد. اگرچه قانون بازار اوراق بهادار مصادیق مشخص و جامعی از دستکاری ارائه نکرده و این موضوع را به عرف بازار و تجربیات کارشناسان واگذار کرده، اما در نظام های حقوقی دیگر، نمونه های متداول دستکاری بازار عبارت اند از:

- انجام معاملات صوری، یعنی انجام معاملاتی بدون قصد واقعی انتقال مالکیت
- ایجاد افزایش کاذب تقاضا، مانند ثبت سفارش های خرید بیش از حد معمول
- خرید یا فروش اوراق بهادار به قیمتی نامتناسب با ارزش واقعی، به منظور تأثیر گذاری مصنوعی بر قیمت ها
- تغییر دادن قیمت پایانی در روز معاملاتی به منظور تعیین قیمت آغازین روز بعد

این نمونه ها نشان دهنده تنوع روش های دستکاری در بازار و اهمیت نظارت دقیق و ابزارهای تخصصی در مقابله با این تخلفات است.

۱.۵.۱ نوسان قیمت پایانی و جایگاه آن: تاثیر قیمت پایانی و دستکاری مبتنی بر اطلاعات در بازار سرمایه

قیمت پایانی در بورس به عنوان قیمت آغازین معاملات در روز بعد محسوب می شود. بنابراین، دستکاری در قیمت پایانی می تواند از طریق انجام معاملات هدفمند و با قیمت دلخواه در ساعات پایانی روز معاملاتی، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر قیمت روز آینده داشته باشد. هرچند که امروزه بورس های پیشرفته با به کارگیری روش های محاسبه پیچیده تر و دقیق تر این قیمت، توانسته اند امکان چنین دستکاری هایی را به طور چشمگیری کاهش دهند، اما در گذشته و با استفاده از روش های سنتی تر، این نوع سوءاستفاده ها رایج تر و آسان تر بوده است.

۲.۵.۱ دستکاری بازار بر اساس انتشار اطلاعات نادرست

یکی دیگر از روش های رایج در دستکاری بازار، انتشار اطلاعات غلط یا گمراه کننده است که بدون انجام معاملات یا ثبت سفارش های معاملاتی انجام می شود. در این شیوه، فرد یا گروهی با پخش شایعات مثبت یا منفی نادرست، به طور مصنوعی قیمت سهام را تغییر داده و به نفع خود یا گروه خاصی اقدام می کنند. این نوع دستکاری، بر اساس بند ۴ ماده ۴۹ قانون بازار

اوراق بهادار ایران، جرم محسوب شده و برای مرتکبان آن مجازات‌هایی شامل حبس و جریمه‌های نقدی در نظر گرفته شده است.

۳.۵.۱ دستکاری بازار بر اساس معاملات

در دستکاری مبتنی بر معامله یک معامله گر بزرگ یا گروهی از معامله گران از طریق ائتلاف با یکدیگر و خرید گسترده اوراق بهادار مورد نظر، قیمت را به طور غیرواقعی افزایش می دهند و زمانی که قیمت اوراق به بالاترین حد خود رسید، با فروش آنها سود کلانی تحصیل می کنند؛ در این روش، برخلاف دستکاری مبتنی بر اطلاعات، ایجاد ظاهر گمراه کننده در مورد میزان معاملات اوراق بهادار موجب افزایش قیمت آنها می شود نه اشاعه اطلاعات خلاف واقع و نادرست. ممکن است متخلف پس از خرید اوراق برای افزایش بیشتر قیمت به اشاعه اطلاعات خلاف واقع نیز مبادرت کند و پس از تأثیر اطلاعات افشاء شده بر قیمت اوراق بهادار آنها را بفروشد در این صورت دو شیوه دستکاری یعنی دستکاری مبتنی بر اطلاعات و مبتنی بر معامله استفاده گردیده است. دستکاری مبتنی بر معامله بهطور معمول چنین تعریف میشود: معامله سهام [اوراق بهادار] به منظور تغییر دادن قیمت یا ایجاد قیمت صوری و غیرواقعی.

منظور از معامله مبتنی بر دستکاری بازار، قراردادی است که پس از دستکاری شدن بازار با اشخاص بی اطلاع منعقد میشود، برای مثال دستکاریکننده با استفاده از روشهای متقلبانه قیمت سهام شرکتی را به صورت صوری و غیرواقعی افزایش می دهد و در قیمت بالا سهام تحت تملک خود را به همان قیمت صوری و متقلبانه به شخص بیاطلاعی منتقل میکند. بدیهی است خریدار ناآگاه از این معامله متضرر خواهد شد، زیرا سهام را به قیمتی خریداری کرده است که با ارزش واقعی آن تفاوت دارد و بیشتر از ارزش واقعی است. آیا خریدار میتواند از طریق ضمانت‌اجراهای مدنی زیان خود را جبران کند؟ وضعیت حقوقی قراردادی که پس از دستکاری شدن بازار منعقد شده، چیست؟ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران با وجود جرم انگاری دستکاری بازار حکمی در خصوص صحت یا بطلان معاملاتی که پس از دستکاری شدن بازار با اشخاص ثالث بی اطلاع منعقد میشود ارائه نکرده است. بدیهی است تعیین مجازات برای دستکاری به معنای منع انجام اقداماتی است که به نوعی به ظاهری گمراهکننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت های کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار منجر میشود. در واقع آنچه که قانونگذار بهطور مستقیم ارتکاب آن را از طریق جرم انگاری دستکاری بازار نهی و منع کرده، انجام رکن مادی جرم دستکاری بازار است نه معاملاتی که پس از دستکاری و براساس قیمت دستکاری شده با اشخاص ناآگاه منعقد میشود. نظر به اینکه نهی قانونگذار ناظر به معاملات مبتنی بر دستکاری بازار نیست، بحث در مورد دلالت یا عدم دلالت نهی مقنن بر فساد این معاملات سالبه به انتفاء موضوع است. هرچند یکی از اهداف اصلی قانون از منع دستکاری بازار اوراق بهادار در نهایت حمایت از سرمایه گذاران و پیشگیری از ورود زیان به آنهاست. علاوه بر این اصل صحت قراردادها و حکم ماده ۲۲۳ قانون مدنی که باید در موارد تردید در صحت یا بطلان قرارداد اعمال شوند، تقویت کننده دیدگاه قائل بر صحت معاملات مبتنی بر دستکاری بازار است. بنابراین به نظر میرسد معامله مبتنی بر دستکاری بازار با وجود جرم‌انگاری و منع دستکاری بازار در قانون بازار اوراق بهادار در اصل از نظر حقوقی معتبر و صحیح است و طرفین ملزم به تعهدات ناشی از عقد هستند. سؤال دیگری که پس از ارائه پاسخ به وضعیت حقوقی قرارداد پاسخ آن مستلزم تحلیل است، توانایی یا ناتوانی فسخ معامله مبتنی بر دستکاری از سوی طرف معامله ناآگاه است. از نظر تحلیلی با توجه به اصل لزوم قراردادها و حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی معامله مبتنی بر دستکاری بازار، در ماهیت عقد لازم است، با وجود این یک سؤال مطرح این است که آیا مبتنی بودن معامله بر دستکاری بازار سبب ثبوت خیار فسخ برای طرف ناآگاه معامله ناآگاه میشود یا خیر؟ طبق ماده ۴۳۸ قانون مدنی «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود.» نویسندگان حقوق مدنی با اذعان به اجمال تعریف ماده ۴۳۸ قانون

مدنی معتقدند برای تحقق تدلیس نخست باید عملیاتی انجام شود. دوم این اقدام باید موجب فربس طرف معامله گردد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۵۱۴) تعریف ماده ۴۳۸ قانون مدنی دلالت بر این دارد که برای تحقق تدلیس باید دسیسه ای به کار رفته باشد، اشتباه طرف معامله باید مستند به کار ناشایست دیگری باشد اعم از اینکه این کار ناپسند صرفاً اظهارات دروغ و خلاف باشد یا فعل فریبنده. (کاتوزیان، ص ۳۲۵) با توجه به ظاهر ماده ۴۳۸ قانون مدنی دستکاریکننده بازار را باید مرتکب تدلیس دانست، اعم از اینکه دستکاری مبتنی بر اطلاعات باشد یا معامله. زیرا این شخص ابتدا اعمال فریبکارانه‌های در قالب فعل مثبت انجام می‌دهد و از این طریق اشخاص ناآگاه را به انعقاد معامله ترغیب میکند و سبب گمراهی آنها میشود. بنابراین، شخصی که پس از وقوع دستکاری در اثر ناآگاهی با دستکاریکننده بازار معامله میکند میتواند قرارداد را بر مبنای خیار تدلیس فسخ کند.

۲-۵- رکن روانی جرم دستکاری بازار

برای تحقق جرم دستکاری، وجود عنصر روانی یا قصد مجرمانه ضروری است. با این حال، در متن قانون بازار اوراق بهادار ایران، میزان الزام به وجود قصد خاص (نیت تقلب یا سوء نیت) به صورت واضح بیان نشده و این موضوع تا حدی مبهم باقی مانده است. ظاهر بند ۳ ماده ۴۶ ممکن است حتی اشتباهات جزایی (بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری) را نیز شامل شود، اما در نظام‌های حقوقی بین‌المللی معمولاً اثبات قصد عام و خاص برای ارتکاب این جرم ضروری تلقی می‌شود. این تفاوت‌ها می‌تواند در نحوه رسیدگی و مجازات متخلفان تأثیرگذار باشد.

۲-۶- عدم بخشودگی دستکاری در بازار

جرائم قابل گذشت به آن دسته از جرایمی اطلاق می‌شود که ادامه روند قضایی و تعقیب کیفری آنها تنها با شکایت و درخواست بزه‌دیده امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، اگر فرد آسیب‌دیده از شکایت خود صرف‌نظر کند، پرونده قضایی متوقف می‌شود و تعقیب کیفری جرم ادامه نمی‌یابد (آخوندی، ۱۳۷۵). این نوع جرایم در گذشته بیشتر به صورت خصوصی و تحت کنترل خانواده یا قبیله بزه‌دیده بودند و جامعه نقشی در پیگیری آنها نداشت، اما با تحول نظام‌های حقوقی، بسیاری از جرایم امروز جنبه عمومی پیدا کرده‌اند. قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرم بسته به قانون و نوع جرم تعیین می‌شود. در حوزه معاملات مالی و به خصوص قراردادهایی که تحت تأثیر دستکاری بازار شکل گرفته‌اند، مفهوم «خیار تدلیس» اهمیت ویژه‌ای دارد. خیار تدلیس به معنای حق فسخ قراردادی است که به دلیل فریب یا گمراهی یکی از طرفین به واسطه اطلاعات نادرست یا مخدوش شکل گرفته باشد. به عبارت دیگر، اگر فردی بر اثر انتشار اطلاعات نادرست یا دستکاری در بازار، بدون آگاهی کامل اقدام به عقد قرارداد کند، حق دارد قرارداد را فسخ نموده و خسارات وارده را مطالبه نماید. این سازوکار حقوقی فرصتی برای جبران ضرر کسانی است که در اثر تقلب اطلاعاتی یا دستکاری‌های بازار سرمایه متضرر شده‌اند و توانایی بازگرداندن حقوق خود را دارند. لذا در زمینه بازارهای مالی، توجه به خیار تدلیس می‌تواند یکی از راهکارهای مقابله با سوءاستفاده‌های اطلاعاتی و افزایش اعتماد در معاملات باشد.

۲-۷- جرم اخلال در نظام اقتصادی؛ مجازات افساد فی الارض

سال‌ها مفسدان کلان اقتصادی بر اساس قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور به مجازات اعدام محکوم می‌شدند اما با توجه به عدم شناسایی حد مستقلى با عنوان افساد فی الارض در قانون ایهام و سردرگمی در باب منشاء این مجازات و هم صریح قانون بر آن وجود داشت. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تفکیک دو عنوان حدی محاربه و افساد فی الارض این چالش ایجاد گردید که اگر اخلال در نظام اقتصادی کشور به حد افساد فی الارض برسد دادرس باید به کدام قانون استناد نماید؟ قانون مجازات اسلامی و حد افساد فی الارض مطابق با اصل چهارم قانون اساسی منطبق با

موازن اسلامی است، تخصیص آن با مواد دیگر امکان پذیر نیست؛ از این رو در هریک از جرائم مستوجب اعدام قانون مجازات اخلاکگران نظام اقتصادی کشور، دادرس به احراز ارکان مادی و معنوی حد افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ملزم می باشد. قانونگذار در ماده ۲۸۶ با تبیین رکن مادی و معنوی جرم افساد فی الارض را به صورت عام و گسترده به عنوان حد مصرح وارد قوانین جزایی ایران کرده و با رویکردی موسع هرگونه مباشرت یا معاونت در جرائم ارتكابی در حوزه های مختلف تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور و ووو را در شرایطی که آثار جرم گسترده باشد، در حدی که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود مشمول عنوان مجرمانه خاص و مستقل، یعنی افساد فی الارض و دارای مجازات مستقل و شدید یعنی مجازات اعدام دانسته است. البته اجماع فقهای شیعه بر آن است که با توجه به آیه ۳۳ سوره مائده، افساد فی الارض به محاربه معطوف گردیده و در نتیجه معتقدند که آیه شریفه در مقام بیان تنها یک جرم است و افساد فی الارض عنوان مستقلی از محاربه نمی باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶، ۲۰۰-۱۴۳)

مفهوم افساد فی الارض و جرم انگاری بر وزن افساد در قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور دارای سابقه بوده و مهمترین جرم اقتصادی، یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور در موارد کلان مستوجب اعدام شناخته شده است. ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به صراحت مقرر می نماید که اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون، چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می گردد و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط همه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم می نماید. صرف نظر از ارکان جرم خاص مذکور در قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور، تطابق رفتارهای مجرمانه با ماده ۲۸۶ لازم بوده چراکه قانونگذار در این ماده در مقام توسعه و تضييق تعاریف جرائم خاص سابق بوده است و حال با تصویب این قانون، برای شمول حد افساد فی الارض بر مرتکب احراز رکن مادی و معنوی مذکور در متن ماده لازم است. به عبارت دیگر قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی به تبیین رفتار مجرمانه حد افساد فی الارض پرداخته و از این پستنها در صورتی که رفتار مجرمانه با افعال مذکور در صدر ماده ۲۸۶ باشد و نتایج حاصله مذکور در آن پدید آید، مرتکب مفسد ف الارض شناخته خواهد شد. و الا در صورتی که رفتار مرتکب با هیچ یک از عناوین مجرمانه دیگر مطابقت نداشته باشد با توجه به حاکمیت قاعده درء متهم مرتکب جرم حدی نشده است، البته در مواردی مطابق تبصره ماده ۲۸۶ نیز می تواند به حبس درجه ۵ و ۶ حکم داد. (برهانی، ۱۳۹۴، ۴۰) به همین سبب دادرس در مقام رسیدگی در محمه باید علاوه بر ارکان مادی و معنوی مقرر در ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور، ارکان مادی و معنوی مذکور را در ماده ۲۸۶ احراز کند. در نتیجه از میان هشت دسته جرائم مذکور در ماده ۲۸۶ تنها اخلال در نظام اقتصادی کشور قابل انطباق با صور برخی از جرائم مربوط به اخلال در نظام اقتصادی کشور است.

نتیجه گیری

جرائم اقتصادی، به ویژه اخلال در نظام اقتصادی از طریق بازار بورس اوراق بهادار، دارای ماهیتی چندوجهی و پیچیده هستند که فهم و تبیین دقیق آنها به دلیل تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار دشوار است. این پیچیدگی باعث شده است که علیرغم پیشرفت های گسترده در رشته جرم شناسی، هنوز تعریفی جامع و فراگیر از جرائم اقتصادی ارائه نشده و نظریات مختلف و گاه متناقضی درباره آنها مطرح شود. یکی از مهم ترین موانع در برخورد با این جرائم، نبود تعریفی دقیق و شفاف از «جرم اقتصادی» است که موجب برداشت های مختلف و تفسیرهای ناهماهنگ از ماهیت این جرائم شده و این امر روند مقابله با آنها را با اختلال و کندی مواجه می کند.

کمیته‌های قانونی کنونی، که با اصول بنیادین حقوق کیفری مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده «قبح عقاب بلا بیان» در تضاد است، ضرورت تدوین قوانین روشن و به‌روز را بیش از پیش نمایان می‌سازد. قانونگذار باید با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و تحولات روز، تعاریف و معیارهای مشخصی برای جرم‌انگاری جرایم اقتصادی تعیین کند تا از برداشتهای نادرست و اقدامات متضاد جلوگیری شود.

ویژگی «اقتصادی» بودن این جرایم اقتضا می‌کند سیاست کیفری هوشمندانه‌ای اتخاذ شود که ضمن حفظ سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مشروع اقتصادی، از وقوع بزهکاری در این حوزه جلوگیری کرده و امنیت و ثبات اقتصادی کشور را تضمین کند. یکی از چالش‌های عمده در این حوزه، تمایز دقیق بین فعالیت‌های قانونی و مشروع اقتصادی و رفتارهای بزهکارانه است، زیرا بسیاری از جرایم اقتصادی در قالب اقدامات ظاهراً قانونی صورت می‌گیرند. این مسئله نشان می‌دهد که جرم‌انگاری در این حوزه باید با دقت و ملاحظه بسیار انجام گیرد، چرا که جرم‌انگاری غیر دقیق می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاران را کاهش داده و به رکود در فضای کسب و کار منجر شود.

از سوی دیگر، محدود کردن تعاریف جرایم اقتصادی به فهرستی مشخص ممکن است باعث مصون ماندن بسیاری از مرتکبان شود، زیرا برخی از اقدامات زیان‌بار می‌توانند در قالب فعالیت‌های قانونی پنهان بمانند. بنابراین، به منظور حفظ منافع اجتماعی و تضمین امنیت اقتصادی، لازم است سیاست‌های کیفری متوازی طراحی و اجرا شوند که هم از حقوق سرمایه‌گذاران و شهروندان حمایت کرده و هم امکان برخورد جدی و مؤثر با مجرمان اقتصادی را فراهم سازند.

در این راستا، قوه قضائیه با توجه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه‌ای دوگانه بر عهده دارد: پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی و مجازات مجرمان. انجام پژوهش‌های علمی و تجربی در زمینه شناخت عوامل زمینه‌ساز و علل وقوع جرایم اقتصادی و ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با آنها نقش مهمی در کاهش این جرایم ایفا می‌کند. نتایج این تحقیقات می‌تواند مبنای تدوین قوانین جامع‌تر و کارآمدتر قرار گرفته و خلاءهای قانونی موجود را پر کند، تا ابزارهای مؤثرتر و دقیق‌تری برای مقابله با جرایم اقتصادی فراهم آید.

بدین ترتیب، با اتخاذ سیاست‌های کیفری هماهنگ و همکاری نهادهای مختلف، می‌توان به ایجاد فضای امن‌تر و شفاف‌تر برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری امیدوار بود و از آسیب‌های ناشی از جرایم اقتصادی پیشگیری نمود. یکی از این امور تعیین دقیق‌تر عنصر مادی می‌باشد که با حذف ابهام «نوعاً»، باید مصادیق مشخصی از رفتارهای دستکاری (مانند معاملات ساختگی، انتشار اخبار کاذب، هماهنگی معاملات برای ایجاد قیمت مصنوعی و...) در قانون پیش‌بینی شود تا تشخیص جرم برای مراجع قضایی و انتظامی تسهیل شود. همچنین بازنگری مستمر مصادیق تخلفات توسط شورای عالی بورس ضروری می‌باشد چرا که شورای عالی بورس، با مبنا قرار دادن جلسات تخصصی و مشورت با نخبگان بازار، می‌تواند فهرست مصادیق رفتارهای پرخطر در بازار را به روز کند. دیوان عدالت اداری نیز این شیوه را تأیید کرده است. در عصر حاضر و با پیشرفت هوش مصنوعی تقویت سازوکارهای شناسایی هوشمند تخلفات از مهمترین اقدامات برای تشخیص رفتارهای مشکوک و دستکاری در بازار می‌باشد که پیشنهاد می‌شود. همچنین علاوه بر مجازات‌های کیفری، باید راهکارهای حقوقی دیگری مانند مسئولیت مدنی، توقیف اموال، ممنوعیت فعالیت در بازار سرمایه و جبران خسارت برای سرمایه‌گذاران فراهم گردد.

سازمان‌هایی مانند «سپرده‌گذاری مرکزی»، تحت نظارت سازمان بورس، نقش کلیدی در انجام امور پساتجاری، تسویه و نگهداری سوابق دارند. تقویت شفافیت در عملکرد این نهادها، استفاده از استانداردهای بین‌المللی و توسعه ابزارهای نظارتی، به ارتقای انسجام بازار کمک شایانی می‌نماید.

منابع

۱. ابراهیم آبادی، غلامرضا، و مرشدی، علی، *فساد از دیدگاهی دیگر، تأملات متعدد در مقوله فساد*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. ابراهیمی، شهرام. «تحلیل جرم‌شناسی جرایم و تخلفات مأموران مالیاتی». *همایش چالش‌ها و فرصت‌های سلامت نظام مالیاتی کشور، دادستانی پلیس مالیاتی*، ۱۳۹۲.
۳. چگنی، مهدی، و کرمانشاهی، سعید. «تأملی بر رویکرد مقنن نسبت به اخلال در نظام اقتصادی کشور و تقابل آن با حقوق اساسی شهروندان». *پژوهشنامه حقوق بشری* ۴(۱۳۹۸): ۱۰۲-۶۱.
۴. دادخدایی، لیلا، «مفهوم جرم و تحولات آن». *فصلنامه تعالی حقوق* ۲(۱۳۸۹).
۵. روستایی، مهرانگیز. «ارزیابی مداخله کشوری در حوزه جرایم اقتصادی». *کارگاه* ۲(۱۳۸۸): ۳۶-۳۱.
۶. رهبر، فرهاد، زال‌پور، غلامرضا، میرزاوند، فضل‌الله، *مبارزه با فساد (جلد دوم)*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰.
۷. زمانی، علی اکبر. «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی». *کارگاه* ۲(۱۳۸۸): ۳۲-۵۵.
۸. ساکی، محمدرضا. *حقوق جزای اقتصادی*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
۹. سالنامه آماری سپرده‌گذاری مرکزی و تسویه اوراق بهادار، ۱۳۹۷.
۱۰. سماواتی پیروز، امیر، «مؤلفه‌های افتراقی جرائم اقتصادی در تقابل با جرائم مالی». *رهنمون* ۱ (۱۳۸۷): ۲۱ و ۲۲.
۱۱. سمیعی زنوز، حسین، حبیب‌زاده، محمدجعفر، و صابر، محمود. «تحلیل جرم «اخلال در نظام اقتصادی کشور» از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران». *آموزه‌های حقوق کیفری* ۱۳(۱۳۹۵): ۵۲-۲۷.
۱۲. طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقای سلامت در نظام اداری (حکومت). تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و ان، ۱۳۹۲.
۱۳. فتاحی اردکانی، حبیبی‌الله. *راهبردها و راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با فساد*. (مجموعه مقالات همایش ارتقای صلح اداری). تهران: انتشارات زمان نو، ۱۳۸۷.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶.
۱۵. گسن، ریموند. *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی*. ترجمه شهرام ابراهیمی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷.
۱۶. مبین، حجت، مسولیت مدنی ناشی از دسکاری بازار اوراق بهادار، *فصلنامه بورس اوراق*، شماره ۳۴، سال نهم، ۱۳۹۵.
۱۷. محسنی، عباس، و اصلانی، رشید. *مسئولیت محاسباتی و نظارت‌های مالی و عملیاتی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۸. موسوی، مجتبی، و موسوی، سید درید. «جنایتکاران یقه‌سفید». *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس* ۸(۱۳۹۲): ۳.
۱۹. مهدوی پور، اعظم. *تعقیب و تحقیق جرایم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها*. *دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، کتاب دوم. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۲۰. مهدوی پور، اعظم. *سیاست جنایی افتراقی در حوزه جرایم اقتصادی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۲۱. میرمحمدصادقی، حسین. *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۲۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. *مقدمه‌ای بر سیاست جنایی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۲۳. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ پانزهم، تهران، گنج دانش

۲۴. نورزاد، مجتبی. جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۲۵. نیازپور، امیرحسین. سیاست جنایی علیه جرایم اقتصادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
۲۶. ولیدی، محمد صالح. حقوق جزای اقتصادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.

27. Akinci, Özge. "Global financial conditions, country spreads and macroeconomic fluctuations in emerging countries". *Journal of International Economics* 91(2013): 358-371.
28. Andovik, Pence Christopher. "Economic corruption in the world (a review of contemporary research), in collaboration with Inge Amunsen". Institute of Economic Planning, 2018
29. Ashworth, Andrew & Horder, Jeremy. *Principles of Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press, 2013.
30. Capasso, Salvatore, & Jappelli, Tullio. 2012, "Financial development and the underground economy". *Journal of Development Economics* 101(2013): 167-178.
31. <http://poolvbank.blogfa.com/post/25>
32. <http://www.geg.ir/index.aspx?siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=233>
33. <http://www.tsetmc.com/Loader.aspx?ParTree=151311&i=44834847569322522#>
34. <https://tn.ai/2275240>
35. <https://www.csdiran.com/pages?page=StatisticalReport>
36. <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-437247>
37. <https://www.sena.ir/news/59307/>
38. Salamon, H. "Speculation in the stock market from an Islamic perspective". *Review of Islamic Economics*, 9(2000).
39. Siegel, Larry. J. *Criminology*. Ohio: Wadsworth, 2012.
40. Tarabian, Karshmeh. "Strategies to support private investors". *Stock Exchange* 58(2019).
41. Tzait, Elika. "Disruption in monetary and financial market and punishment of disruptors". *International Accounting and Management Conference*, 2013.